۱۳۳۴

وقف نامه
شهزاده سلطنه میرزا احمد خان
۱۳۱۸

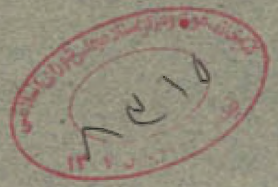

۱۳۳۴
۱۷۵۱۴

وقف نامه میرزا سلطنه
میرزا احمد خان
فارسی
سنه
۱۳۱۸

۱۳۳۴

وقف نامه
شیر السلطنه میرزا احمد خان
۱۳۱۸

۸۷۱۵

۱۳۳۴
۱۷۵۱۴

وقف نامه شیر السلطنه
میرزا احمد خان
فارسی
سنه
۱۳۱۸

۱۷۵۱۴/
کتابخانه مجلس سنا
۱۳۳۴

صفحه ۱

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الواقف علی الضمائر والسرائر وصلی الله علی محمد

والیه الاطهار اما بعد چون جناب سحاب شمس فلک جلالت دبر

رفعت وعظمت ونبالت الاتقل الاعلم الارفع الافخم آقای میرزا احمد خان شیر بسطه دوز خلافه مبارکه دام اجلاله

از قدیم وحدیث شبر جی مبسوط ومشهود درمحضر مبارک انهار شرع مطاع چند فقره بر شرعی قریه الله

امدک ابتیاعی متصرفی خود ر مصارف تقریبی فقره بعضه محض نشر وجاریت تمام نسخ

وتمام وقف نامها در یک کتابچه تحریر شده جامع همه نسخ وقف باشد ودیگر دکلمه توقفات

مسطور محفوظ ودر یکمجلد بطور مسهی منظور باشد حب ۱۲۸۱ اطاعت شد

صفحه ۲

صورت وقف سابق شرح حج نخله تمیمه بسعادت ثبت علی رغلام دار خلافه طهران دام اجلاله

هو الواقف

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین حمدا لا ینبغی الا رضاه والصلوة والسلام علی خیر خلقه

واشرف برئیته محمد صلی الله علیه وآله اجمعین ائمة الهدی

وساداة الوری وشفعاء یوم الجزاء فبعد

براحراز صافیه عارضین مساعی تخصص ایصال رسیده دارالشرع انظر بضبط ثبت شهود غیب شهود الذی لا یعزب عنه

برهم تصفی لازم وتحتم حتم بمقتضای تبیان مخبر بیان آیه ۱۸ ۱۰ وما تقدموا لانفسکم من خیر تجدوه

عند الله هو خیرا وعظم اجرا برای سرانجام کاری یوم محشر رفع کبر اعمال صالحات وقیم ذخیره

پروردگار خود داشته ثم دعبد از ادای فرائض وقف املاک مستغلات از جمله خیرات جاریه اشرف طاعات

جناب جلالتمآب ثروتمدار رفعت اکتساب نبالت انتساب اتقی الاعلم الافخم آقای میرزا احمد خان

شیر بسطه دام مجده الی آخره الی آخره وطلب الرضاة وقف صحیح مؤبد حسب صریح

شرعی بسمار زمره تمامی وهمگی کمتر شرح ذیل کتاب کما انشرای تصرف خود را تمام شرح ذیل کتاب تمام

صفحه ۵

صورت آنرا که جناب سطاب نجیب الرم فخم آقای شیر السلطنه دوزیر خلافه دام مجدهم الی الابد عهده بیمن

در تاریخ ۲۵ شهر جمادی الآخره سنه ۱۳ در محضر جمعی از علماء فضلا و اعیان حاضر نوشته و امضا کردند

هو الله سبحانه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی خلق الموت والحیوة لیبلوکم ایکم احسن عملا

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین کما یحب المعصومین المکرمین

فقد چون جناب جلالتمآب عمدة الاماثل بالنظام قوام الملة والدین

شمس السماء الرفعة والاقبال الاجل الاجمل آقا میرزا احمد خان شیر السلطنه دام ظله العالی بربط

ذوات تحصیل مقامات عالیه حق شناسی فرموده اند عیش دنیوی عالم الاخرین والاولین

نصب العین خویش و بخاطر اقدس و کامکار خود گذرانیده و ما دعوا الی مقتضی مرضی دیگر

از همگنان بیشتر و بسیار بالاتر و برتر است طهارت صلوة و تهجد و بالجمله نزل جمیع فرایض و نوافل

مراحم داور و برکات جناب بی نیاز ان مضمون خیر اثر جمیع صدقات جاریه و خیرات باقیه

صفحه ۶

خداوندی که ودیعه شرح نسخ مستنده و مجموعه مسبحه و مختصره بتمام شریف علماء اعلام پاینده تمامی

کارو نشر ای مکارم خود و افزون و همگی مقاصد و مطالب مکتسبه خود شان سالما بالقطعه زینی و تحصیل

و در تمامی کرک دارالخلافه طهران بمصارف تعمیر و داری حضرت برلی کمپنی ایجاب تامین دارالاوطان

علیه و صحیحه بصحه ان کسیکه وقف فرموده در هر اوقات نیز خواهد بود و برجمه تمام و کمال بمقام خیرات حاریات فضل

طاعات و عبادات است بیکدیگر مبارکات آن مستمر جاری و ماندنی بعد و در یوم لا ینفع مال و لا بنون

و خیرات روز و در مانده که ثمره مهمه آنها حضور و شارع مطاع بالقطعه و الاختیار بنده عمدة و دیعه

بر جمه شرعی بخود و اجب و لازم فی المجلس بسیع نیز از همان وجه بال مبلغ تضرب بکیفیال

بخزینه یا از مال مکتسبه خود شان همان وجه را بصحه قبض ایشان تسلیم نمایند و قیمت کهنه بمصارف مقرره و ذیل و وجه شرعی وقف نمایند

حسب قطعه و قرارداد قبض شریف خود شان بخط و مهر خود و بخزانه دار شاه جم محتشم بنظر خاص بسپارند

و بعد از اتمام حال خود شان اطال الله عمرهم و کثر الله تولیت تفویض بشخص اول و ذریه اعظم اقرب سلطان بعدالت و مهری

کلیه امور دولت علیه ایران و کف کفایت ایشان نماینده و نظارت را بامام مجتهد جامع شرایط و ارشد

مفوض فرمایند و بعد از رضع فمارج مذکره عین مرقومه شرح فیه مکتوب از منافع راجعه تولیت و نظارت

و در حصر بکلم خود شان اقدام بنمایند فرمایند محتاجه و در حصر تعیین فی سنه بهم تا اقدام بنمایند تعیین

که معادل این مبلغ مرقوم باشد وقف کنند بمصارف مقرره و تولیت را بشخص اول و نظارت با عالم

و مجتهد و از آنچه فرق قدیم بر وجه سالانه آنچه از نتاج عین موقوفه عاید شود اوّلاً

تعمیرات لازمه عین موقوفه را تقدیم داشته بقیه املاک موقوفه دائر و آباد باشد ثانیاً کسر از بقیه

حق الترتیبه و الحفظ منظور نموده بقیه حق تولیه و ناظر باشد و بعد آنچه مشروط بهم نموده باشد

باید در مصارف تعیینه حضرت تقسیم نمایند و در صورتی که واقف شرط نکرده باشد

ایشان و شاهد الحاله ای ایشان صرف شود بهر کدام هفتم و تولیه و ناظر صحیح دانند

و ترتیب بصواب اقرب باید و اول مستحق ائمه امام الراتب اولین یوم نهم بالغه بعد

فارغ حسب تقسیم صرف نمایند و سهام یوم هفتم و نهم تولیه و ناظر باید صرف شود و در صورتیکه متصدی

و نماز جماعت تبدیل یابد یا فوت شود محل جاری بقیه تقسیم قرارات باید و سهام

نخواهد یافت و غیر نوع از مصارف را تمام قطعه باید مصارف غیر مهم تعیین و بر سایر صرف شود و بطور تمام

صرف و آن مصرف نیز مصارف دیگر تعطیل نیابد و حتی سهام تعیینه مصارف را تمام در سنه آتیه

تدارک نماید تا معوق نشود و صحیفه واقف اصل را در محضر نهاد شرع جاری نمایند و واقف نامه

بفقرای غیر سادات از اهل سنت

یکسهم

در ماه مبارک رمضان بهر کوچه صحیح دانند

یکسهم

در ماه مبارک رمضان بهر کوچه صحیح دانند

یکسهم

در ماه مبارک رمضان خاصه در ایام عشره آخره صرف افطار و طعام فقرا و محتاجین نمایند

یکسهم

بنسخ ستة قدیمه و جدیده و در نهایت وضوح و شهادت بر وجوب جمعه آنها نسخ شده

تمامی مراتب مزبوره را بصحیفه عهده و ذمه خود بترتیب مشروحه صحیفه بنویسد

و ختم نماید

بحمد الله و حسن توفیقه

فاتحه یوم چهارم شهر صفر المظفر سنه ۱۲۱۱ چاپ شد

وقف مؤبد صحیح

شرعی حبس مخلد اسلامی فرمود بر مصارف مقرره بقضیه
در نوشته مقرر در عهده و در ورق قبض سطر شماره و بعد از مصارف مذکوره در زمان تولیت خود جناب قف منظم
اطال الله بقاه و در زمان تولیت تولیهای بعده در ذیل سطر مرقوم نقضه در نوشته مقرر نیز سطر شماره مصارف
مذکوره عین بر قوفه را خراج کشیر حق القریه و حق نظاره بقیه عایدی بالسویه بهم ساده قسمت نموده دو سهم
قسمت مقسم شود سهم سطر شماره بهم مصارف مذکوره و سهم باقی بهمان تفصیل در ذیل و در ذیل سطر شماره
سطر شماره مصرف نماید بهمان ترتیب نقضیه و در ورق قبض سطر شده و بطبق آن تنبه و نقضه شده عمل نماید
واجب نهم بتعهد و صیغه وقف صحیحه بلحوق شرایط و شروط مقرره جاری و شرایط مقرره مرعی و قرض ذمه قرض
و هر قسم دین که واجب السطر ما دام شرعا ابطال الله بقاه تولیت وقف سطر با خود جناب قف منظم
و در زمان تولیت خود شان قرار مقرر نموده و بعد تولیت وقف راجع است بشخص اول اولاد ذکور قف منظم
کس اقرب بطبقه ذکور از اولاد ذکور قف منظم و در هر زمان بشرح سابق نظارت با مجتهد اعلم
و اعلم فقه در زمان تولیت و نظارت ایشان کشیر حق القریه مقرر مذکور نکنم در زمان تولیت خود قف منظم
حق القریه مقرر نباشد **فصادر البقر بر الزرع** وقف صحیح و شرعا واجب لزوم
الی ان یرث الله الارض و من علیها ترضیها لما رقم اکیده بر قوفه مزبوره از حاکم محرر فی غایت بهمان
تمام و کمال الی السلوب المنقضه وقف نمود حین وقوع الوقف جناب سطاب قف منظم
مالک نماقع قریه مزبوره در وقت بانضمام یک ربع منضم و حین وقوع الوقف بترتیب السطور مرقوم

التصحیح شرعی نماقع بانضمام یک ربع قریه مزبوره بر شرعی مقرر از مالکین سطح بجز و جناب قف منظم ادام الله
بنابر این نماقع قریه مزبوره در وقت بانضمام سال شمسی و عبارت از بابت محصول تمام شتری صحیحی در غایه
بانضمام سال مذکور محصول شتری صحیحی عایدی بهمان نهج مقرر بحساب ایکه جناب منظم در سال
رقیم از عایدی قریه مزبوره در مصارف مقرره بسطور سابقه و بعد از تقسیم بر طبق شرع انور بهمان ترتیب
جناب قف منظم و چنانچه فقه از آل ایشان قبل از بانضمام سال شهود شرعی ایشان
بقیه وقت بانضمام سال قریه مزبوره بالسویه بین شش سهمی منضم و بهمان ترتیب سهم مقرر از قرار
صرف نماید و ثواب آن عاید روزگار وقف و عرض منظم باشد و بعد از انقضاء وقت بانضمام
وقف منظم بنا باید بوقف سطور ما عمل نماید و بعد از عمر طویل ایشان متولی زمان بموجب ما قف
بفقیت عمل کنند فقط بعد ما سمعه ما ثبت عن قریه مکان وقوع ذکر فی ۱۳۱۸ ۵ ۱۳ سطاب
توضیح ثانی نکه وقف مختصی بجز و جناب سطاب منظم ادام اقبالهم در وقف نامه سطور شماره ملاحظه
محرر نماید اوراق بود مختصی نماند و قنوات قریه مزبوره بنج رشته است و در رشته قنات مختص جناب سطاب قف منظم
پانصد و سه رشته قنات شرح ذرعات دهانه و جابجات معتبره و قنات بین ایشان در عایدی وجه اشتراک
و جناب سطاب منظم مختص دارند رشته کا در قریه مزبوره مالک و مصرف بهمه نفر بر وجه صحیح شرعی وقف منظم نماید بنابر مجاری
در رشته قنات مختص بمعظم الیهم آن در سه رشته دیگر تا ما وقف حکما و قفا صحیحا شرعیا بتابع فوق

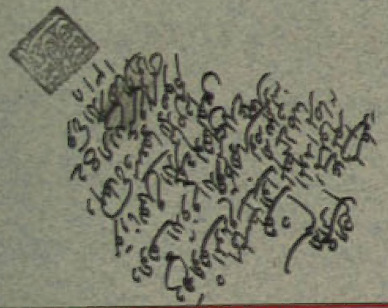

بسم الله الرحمن الرحیم

حبذا کشته بغداد بهر کریه مثل الذین ینفقون اموالهم فی
سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة
مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء اموال خود را بجهاد رضا در غربت در راه خدمت برهان حق عفو غفران

نمودند و گوی سابقت ربودند از زمان رسالت پناهی تا حین مسیحا حکایت کننده آنچه در سال بست آوری اعلام
نفقه او در کمین انفاق نمودی بعضی اند از نه پاشه تصدق فرستاده اجر صد نفر نزدی سلطان با فرمی دارا کرده آنچه داشتی از
کفاره میه اشتی بهتر بود کرد آن را دوست میداری عرض نمود در بارگاه یحیی ذات قدس نشان بهتر صدقه آنچه
در محبت آل میدهم در بهین محبت لشکر و بخدا یم بخدا دارم با خود بیرم نه از بهر لشکریان بگذارم در بهشت
در خبر است که از ازواج پیغمبر خاتم صلی الله علیه وآله وسلم کرسنه نزد پیغمبر آمد پیغمبر او را بخدمت
داد بعد قوت خود شان بگرسنه را کشاده بشت نه دست نه سیر شد پیغمبر صلی الله علیه وآله عرض نمود
یا رسول الله از گرسنه نزد فرمود که گرسنه را کشاده بشت نه دست نه سیر شد پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود چون
چون جناب مستطاب اقدام

افخم آقای میرزا احمد خان شیرازی ناظم دوم در خانه مبارکه دوم قبله عالم آقای فرقه جمیع از فقهاء و علماء و صلحاء و اتقیاء

شیعه اثنی عشری از اطراف ایران بجهت تعزیه و دیدن کربلای معلی بخدمت شرف تواضع فهم و شبانه روز فوج فوج
بزیارت آن قبله مطاف مشغول بصرف اوقات داشته و از کمال عجز و تضرع می گریستند و در سنه مبارکه آن قبله مطاف و مرجع انام
بسلیم بر آستان تهمتن نشانه دیگر جان ملان و خاک شد و آن فخر کل تهمتن مستظهر مستند قوت و فوز و فلاح جناب
مستطاب مستظهر رضا نائب الصدر فیض مردم آن دیار و از نعم دنیا چشم پوشیده بسیهای بشته و خود تنها و در آن ایام طلب رضا نموده
از جمیع ما سوی شیعه از بهر بهت و غیرت عالم شیعه بغیر عالم ایل و بهر از ایل خود بهره و نصیبی از عطیات شان تجویز فرمود
و بتکرار بهر عالم و دعا گوی شان بسر بردند و یوم لا ینفع مال و لا بنون از برای شان بی فحوا باشد
همچنین از بهر خود شان در موقع و معین شان نیز ذخیره گذاشته بهتر از شما لی و راحت قاری خادم را بعد از
فرمایش لهذا تهمتن دلیر قرن الدوله دام اقباله از قبل بهره و شهامت و حزم و حکمت و دانائی و فهمیدگی
شهر بهترین از تعریف و توصیف و بیان و بصره و غیره شان بیرون و بحسن محبت و حسن معاشرت و خدمتگاری و خدمت شرعیه آن
از عمارات بهیه و قهوه خانه و آب و اراضی و عمارتی و باغات و بساتین و بازار و مقنه و حمامات و طواحین و غیره آن
در اتمام و در بعض و سایر ما یحتاج بهای نیب بهای اشرفی قلیل از بصرف فقهاء ماضره و چون بعضی از مستطرات آن بنظر
تمیم آمد بر سبیل ذکر داشت و در لایحه شرعی مناسخ عقیقه و حسکیه با نجاه و سام قریه مزجا سلو تبعه قصبه
نیم و کل شارع از شش دانگ قریه مزجا سلو تبعه بهما شرعیه تبعه بر حصه اثنا عشریه شرعیه قصبه مصالحه نموده
رعایه للمسلمه و احتیاطا و کما در فرقه بحضرت مستطاب شرعیه از عهده بعهده بعهده بعهده بعهده بعهده
آقای شیخ فضل الله نوری دام ظله العالی بعرض مستعین و ایشان در بهای بمبلغ سی و چهار تومان
وقف قبول الاصح شرعی جمیع قصبه مزجا سلو تبعه بهما شرعیه از قریه مزجا سلو تبعه بهما شرعیه

نوع

مقبره جناب بسطام معظم اطال الله بقاه از اجرت خادم دکانی در پشت مقبره بپایه رزمات مقبره و

که متولی هر زمان صلاح بداند و حصه آن وقف بر یکی از شهر قم یا باشد و حصه آن

الی یوم القیامه در هر باشد و حصه آن باشد و حکم وقف بر مصارف متقدمه و وقف بیع

بقیه در فی سطر بر همان ترتیب صرف شود و حکم منافع هم همین است و بعد از

وحل النظار بعد از وقوع مصارف مذکوره عین متولی باید صرف شود و بقیه بر سطور

و حصه آن باشد و حصه آن باشد بر مصارف فقرا و ضعفا و اولاد و ایتام و کسبه شرف و بر

باصفه صرف شود همان ترتیب و در وقف بیع دکان و یکم باشد و تولیت و نظارت با

و وقف بیع دکان و یکم باشد بر سطور مرقوم و در زمان حیوة خود جناب بسطام معظم و وقف

بیع دکان و یکم و حیوة باشد و تولیت با هم دکان و یکم هم با ایشان حکم و نظارت در زمان حیوة ایشان

متولیست و بعد از ایشان تولیت و نظارت با اشخاص حیوة متولی و نظارت باشد و بیع دکان و یکم

وبعد ذکر جناب بسطام معظم دام ظله العالی و قبه و ایوان و مطهر و صحن مختصر

شرایط ضمن ذکر متولیست **وقف فوقانی صحیح** شرح حبس صحیح قطعه بهمان حدود

قبه مطهر با الحدود که متصرف حدود باشد جمیع ملحقات و منضمات و متفرعات شرح حدود آن شرح

بر مصارف علوم فقرا و ضعفا و اولاد و ایتام و کسبه شرف و بر سایر متبع اعم از اینکه از اهل

زمان باشد یا نباشد باشد و بعد از انقطاع منقرض شدن شیعه اثنا عشری بقیه و اولاد باشد بر وقف علیهم و بر مصارف

خواهد بود بهمان ترتیب و هر سال مبلغ که از وقف مطهر باقی بماند شرح حدود بقیه است مذکور

لقدم مطهر و شیشه عین وقف و اگر باقی باشد و هر از آن کثیر حاصل آید و انطفاء باید خارج شود و از برای تعمیر

و هر از خود واقف عین شیشه و در زمان تولیت ایشان با فاضل متولی شود حکم آن در بیشتر در مطهر

و نظارت هر از ایشان با ایشان صفه از بعض تعمیر با فاضله در زمان شیشه بیشتر در مطهر

هر زمان تعمیر صفه هر یکی از مجتهدین عظام بکف شرف یکی از مجتهدین عظام که هر زمان

هر زمان هر یکی از مجتهدین عظام بکف شرف و بر سایر متبع و اولاد و ایتام و کسبه شرف

و بر سایر متبع و اولاد و ایتام و کسبه شرف و بر سایر متبع و اولاد و ایتام و کسبه شرف

و در صفه از سطر دکم و کیف و صرف تعمیر با فاضله هر زمان مخارج خواهد بود باقیمانده رجاء الاجر خارج

وتولیت وقف دام حیوته واقف با خود ایشان در زمان حیوة ایشان با فاضله شیشه

حیوة ایشان با فاضله شیشه و بعد از ایشان با فاضله شیشه و بعد از ایشان با فاضله شیشه

و نظارت با یکی از مجتهدین عظام که هر زمان و بعد از ایشان با فاضله شیشه

وصیغه قبه و ایوان و مطهر و صحن مختصر و دکاکین و حجرات و بیوت و حمام و آب انبار و مدرسه

شرح حدود آن شرح که وقف و قبض و اقبض و تسلیم کرده و حکم وقف صحیح شرعی جاری و ثابت

الارض فی حیوتها و بعد از وفات بر مصارف مذکوره و بر سایر متبع و اولاد و ایتام و کسبه شرف

در صفه از سطر دکم چون شرح سطور بالا باقی شیشه و باقیمانده عواید شرح حدود بقیه است

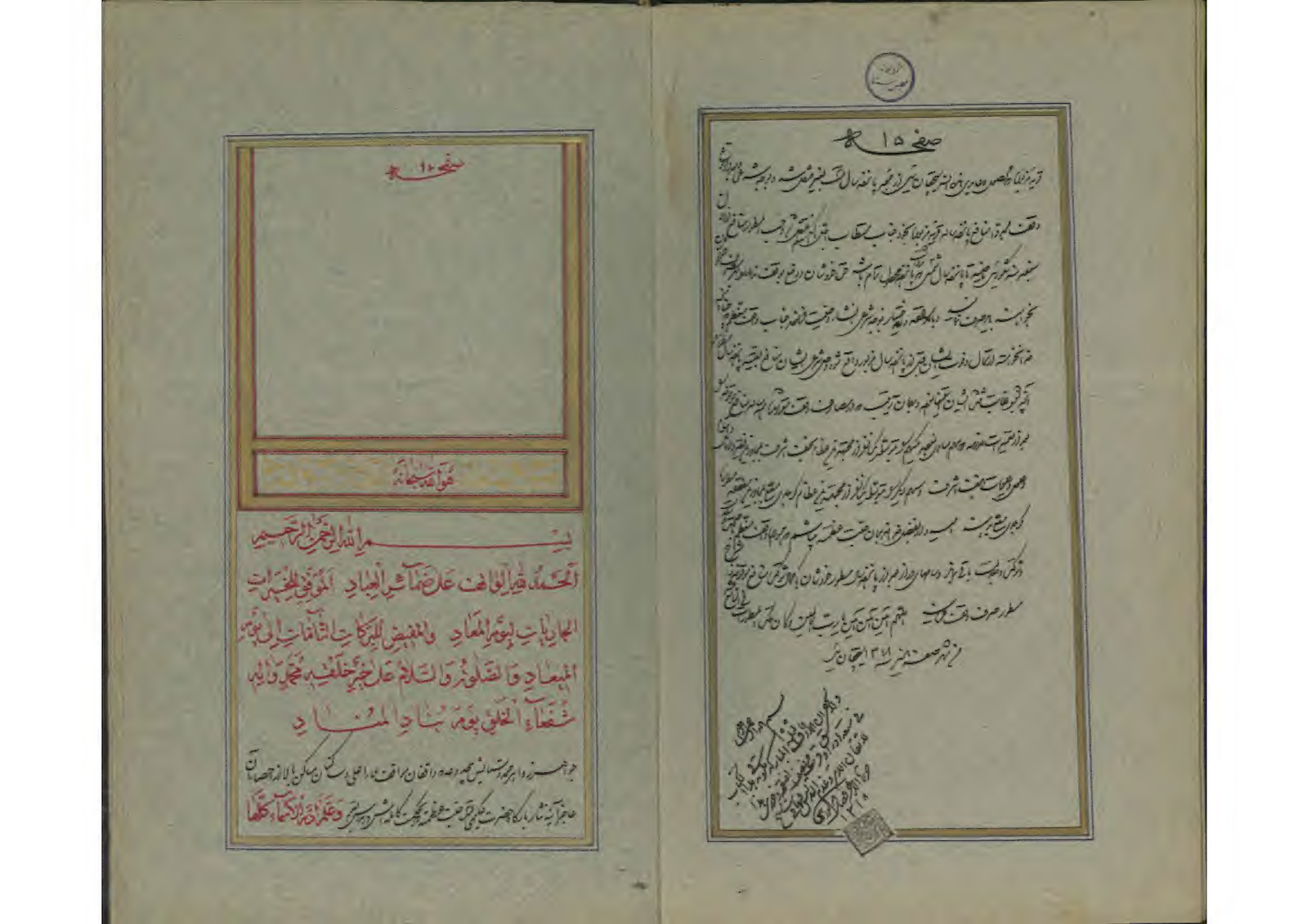

صفحه ۱۵

[illegible]

صفحه ۱۶

هو الله سبحانه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الواقف علی ضمائر العباد الموفق للخیرات الجاریات لیوم المعاد والمفیض للبرکات التامات الی یوم المیعاد والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد وآله شفعاء الخلق یوم ینادی المناد

جواهر زواهر حمد و ستایش بیحد و عد واقفان مواقف ملاء اعلی و ساکنان مساکن بالا از احصاء آن عاجز آینه نثار بارگاه حضرت حکیمی جل جلاله عظمته بحکمت کامله اش در هر سری وعلم آدم الاسماء کلها

ملائکه را کتاب صوم شنا سازد حقایق اشیاء بر او من نخست و زبان کیاهی نفس ناطقه را مفتاح ابواب

دانش و بهشتی مقرر از سخن با تحقیق علوم ربانی مقصد و صحیفین و مقامات عارفین شناسنده و در سلسله

تحصیل حق شناسی و تقید قواعد بندگی نخبه فرید حقیقه و کلاتب صحیفه صوم و محمد او را بنده و صلوات زاکیات تحف

تحیات نثار روضه بهیه محبوب حضرت رب العالمین و رحمت رب العالمین سرور فرقه کنت نبیا و آدم

بین الماء و الطین زبده خلاصه عکسیت فرق و غیات انام سید انس و الجن و مصطفی و مرتضی

نگاه او من التحیات اتمها و ادوم المحیط و صحه و ضرض بسیط و نفایس فرق تحیات زاکیات بر آل و

من کنت مولاه فعلی مولاه الصحب و آل من و الاه و عاد من عاداه و اصحاب الاقطاب و الاقطاب و الاوتاد

نه شنه اشرف عاصر شهر در سرش و بیعه کلاشان و در تبع تحکم شان بهم قرین طه و آل نه آثار ایشان

نسخه حاوی شرح جوامع آثار رحمت خواجه انبیا و قصص و حکم او کان و نبی علیهم من الصلوات اتمها و ادوم

افخم و تحایه و صلوات اشهر و تراکیه و لمعات اتمها و ادوم و بعد غرض از تحریر این کلمات شرح فقره

الدلالات انکه جناب رب العزت جل شانه در کلام بلاغت التیام خود فرموده الا فکر الا فکر ما سبب

شیر بیشه ذوالجلال بر کرام ذوالجلال الله ۱۲ بود که شرح این فقره و تحریر این سطور خطیر از مجرد تحصیل حاصل

بیان و ترسی بحضرت خاتم الانبیاء و الله و صحبه صلوات تنه و سلام علیهم اجمعین و بر مقربین درگاه

وقت نهم از بهر خطبه این صورت شریف قال رسول الله صلی الله علیه وسلم من بنی

مسجدا فی الدنیا اعطاه الله بکل ذرع بیت فی الجنة

اربعین الف عام مدینة فی الجنة من ذهب و فضة و جوهر و لؤلؤ

و زمرد و یاقوت و قال من بنی مسجدا کمفحص قطاة بنی الله له بیتا فی الجنة

و در جنب بنیان این فرد زنده کرگ و در حضرت طهارت بنای مسجد و رسم رفیع فرخنده و در اندک زمانی تمرفیق یابنده

و زنده جان بافرخی ساخته و تحقیق عالی الکنن شریف را در فرخنده ضمان فرخنده و بهره زنان اوراد تمام جمعی

اعلی الله علیه و علی آله و صحبه و سلم و شرف و کرم و عظم و بجاه سیدنا محمد صلی الله علیه و سلم و علی آله و صحبه

و شرف و عظم و کرم و بارک و سلم و صلی الله علی سیدنا محمد و علی آله و صحبه و سلم و بارک و شرف و کرم

این بنای شریف و طنب اسکنان بر رسم صحیح و طرز وقف و ضمان ای خلاوند و در وقف مطرف و بهره مندان

دست تجویز نهضت حضرت بحق تعالی استلام بحضرت فیض عطا و صحبه و بهره زنان علم و اشتمال انس و نور

پیری چون حضرت نگاه آمین فرموده رب هب لی من لدنک ذریة طیبة

بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلم رضا

سنت بحضرت واجب و حضرت بحضرت سید انام باد کرامت

و حضرت قدرت شه صلوات دایم مدد و ارث و ذکر عالم و متقی پیرو سنت و جماعت و بهره مند فرمان

چشم او را بانوار روشن کنی تا وارث ابیات و باصوات خیرات و صلوات بهره از اوراد سیدی

نامور آمین رب العالمین بسم الله سبحانه و تعالی بتحریر رسم شهر ان المکرم

محرم الحرام سنه ۱۲۱۳ بجای مطابق تحقیق بیست ترکی

بیارکی محمد علیه السلام و اله علیهم السلام و صحبه و سلم

بهره جاکه و مسجد عیسجد اقصی فهم قمر مراد از تمام بنای مسجد و رسم باتمام محترم و مقرر

وقف صحیح شرعی مؤبد و حبس صحیح مخلد موبد

وکالت شفاهیه تفصیلیه

از جناب جناب واقف معظم اطال الله تعالی بقاه در آیه الی سنه تسع عشره بسنه مبارکه مستدعات مسطوره را مختصرا

بشرح وقف نمود و بعد از تصحیح نافع بر وقفنامه بر وقف علیهم بشرح ذیل چه فرض صحیح شرعی

فصل اول

سر بمهر ثبت است در شبستان و آنها بدار سر بمهر انگشتری شبستان و بعد از

طاقچه بیت کشکول خیر معین شده خارج از حجرات بیرونی شده در عقب حجره ثالثه در وسط قبله

اتاقچه محرمات سر بمهر در آفتابه شده فقط در شبستان و آنها بدار سر بمهر چنانچه کتابخانه در سنه

شبستان و تحت تصرف آن قرار سنه خارج از محرمات بیرونی شده

فصل دویم

در شرایط سکون طلاب در سنه

بسنه مجاوره کتابخانه و حجره ثالثه در شبستان باشد فقط و در حین وقف ایشان و حین

بحجرات بیرونی باشد و بالوصف در صفات و مراقبات در تمام اوقات بر وجه صحیح شرعی مبرهن

و در ضمن فصول آتیه مسطور شده

فصل سیم

شرایط سکون طلاب در سنه مجاوره جناب

واقف در کریاس شرقی سر بمهر است باید در حین وقف طلبه را بدار سر بمهر کریاس شرقی در آفتابه شبستان منزل داده و در هر طلبه

طلبه را تحت مقام علمی آن در کریاس معلوم نماید و بعد از تصحیح سر بمهر آفتابه طلبه خارج شده در حجره ثالثه

اقتضا کند و حجره صاحبی مجرد منحصر داشته باشد در حجره ثالثه وقف شده باید حجره مجرد

که زیاده از یک حجره نباشد و زاید

فصل چهارم

در شرایط سکون طلاب در سنه

تسلیم در خاتمای مردم باید در خزانه خود زیاد کاملی است و خانها از دو قسمت خود زیاد تحریر باید

در خاتمای جمع کتب فارسی از شعر و لغت و غیره و کتب عربیه از لغت و غیره

بشته سکون بشال از جماعت در سنه تحریه کلام و خوف شرع و حضور در حضور

سنه قرار از تحریه کلام است

فصل پنجم

در شرط تعطیل طلبه

ارحام و اقارب و اکابر باذن متولی از قرار سفر حج و زیارت مراقبت نماید

عرب در حین قرار و در حین حضور باذن متولی از قرار مراقبت نماید

در حجره بجای او بدهند تعطیل نشود در سنه تعطیل نشود در طلبه تعطیل نشود

فصل ششم

در شرایط سکون طلاب در سنه

در سنه بر طلبه در سنه باذن متولی از قرار

آن سفر از بعض اوقات در ایام تعطیل

در هر سال کمتر به حضر معین در سنه

سنه در سنه بجز از سنه در حضر

دقت در اعطای بجز از سنه

فصل هفتم

در امتحان طلاب

در سنه امتحان نماید و تحریه

سنه در سنه

فصل هشتم

در شرایط سکون طلاب در سنه

تحریف

تسلیم در خاتمای مردم باید در خزانه خود زیاد کاملی است و خانها از دو قسمت خود زیاد تحریر باید

در خاتمای جمع کتب فارسی از شعر و لغت و غیره و کتب عربیه از لغت و غیره

بشته سکون بشال از جماعت در سنه تحریه کلام و خوف شرع و حضور در حضور

سنه قرار از تحریه کلام است

فصل پنجم

در شرط تعطیل طلبه

ارحام و اقارب و اکابر باذن متولی از قرار سفر حج و زیارت مراقبت نماید

عرب در حین قرار و در حین حضور باذن متولی از قرار مراقبت نماید

در حجره بجای او بدهند تعطیل نشود در سنه تعطیل نشود در طلبه تعطیل نشود

فصل ششم

در شرایط سکون طلاب در سنه

در سنه بر طلبه در سنه باذن متولی از قرار

آن سفر از بعض اوقات در ایام تعطیل

در هر سال کمتر به حضر معین در سنه

سنه در سنه بجز از سنه در حضر

دقت در اعطای بجز از سنه

فصل هفتم

در امتحان طلاب

در سنه امتحان نماید و تحریه

سنه در سنه

فصل هشتم

در شرایط سکون طلاب در سنه

تحریف

در علم و بی بست و شری و بیال کمتر نباید و تا تواند باشد و قوف مدرسه بر اوقاف مدرسه و بنا و قوف مدرسه بر اوقاف

چه خواهش کند فضل الله سعی و جب لیال حق ساکن بیت بقعه خواهان شیطین **فصل ششم**

در تکالیف مدرسه بر سبیل تفصیل نباید و تا تواند باشد اول باید خانه و مدرسه بنا شود

و همه رفاه را در بنجمه و همه و عیاد و باقی بطریق اصول است و همه بر سبیل بیت طلب بنا شود و کمال

بخش سلوک باطلب اظهار و بنا نباید و عادت تزیین بنا شود و در صدر تا که اطاق و شهاب خوش

ایشان نباید بشرح بطریق و فصل ششم در هر شبانه روز باید یکبار قرآن تلاوت نباید **فصل هفتم**

در تکالیف امام جماعت است در بیم امام جماعت باید و تا تواند فاضلین می کنید باید و تمام فضل مدرسه قرآن

در هر شبانه روز در بیم بصر بشد و در جمع قرآن و خاندان فضیلت کهم شود و عادت خیر و زیاد آفت و در خاندان

تمام سر صلوات تبرعیت بشرح و فصل ششم در هر شبانه روز در بیم باید یکبار ختم قرآن تلاوت نباید

آن را از بصر واقف و اما قرآن باید **فصل هشتم** در تکالیف مؤذن است شرط مؤذن آن

خوش و صدا و صورت و هیچ و الان و نماز جات فقط بر اوقات تا باید و صف معین بر آن مؤذن باید

قبل از صبح در بیم بشد و بصورت همه بر وقت نماز جات فهم نماید و خال آن اذان بگوید بچنین آن

فهم نماید اذان بگوید و بر سبیل جماعت و نه حال و قضا و خارج و تعین بشد و از قصر آب دادن

باشان و همراه ان و صفوف تسلیم کردن و بشال و نکن **فصل یازدهم** در تکالیف خادم است

خادم کم معین بشد باید یکبار جاروب نظافت بکند بشد و این و تمیز و بنیز کار بنشود ان و بچنگ

بیم و مدرسه و بنا بگ و تمیز کند و بروبد و تمیز کند و بر شستن مجمع و در مجرات و ضع باد و نماز و با خود ضلعت بیت کم کند و بنا

شبستان و با تعمیل و بیاط مدرسه و دالان و با لوحه با خادم بیت و دو تمیز و قات جماعت بیم و بیت و بنا

جماعتین و اطفال تمیز و مدرسان بنظر شرعیت محفظ کند و بکمال برعایت و از تمیز تعین و صفات ایشان و محفظ باب

باخود و بیت بشد و بخش ان نباید **فصل دوازدهم** در ذکر املاک است و بر بیشتر قف

شد و ان نباید بنا بر بیت فصل سیزدهم بر وقف مدرسه بیت و بر بیم باید بر بیاد صرف شود و در بیم مدرسه بر بیاد بخش

تمیز بیت و بیاب و کلیدین القفه و دار الاشرف بیت بعاکر و اقف و بنظام شرعیت بالاتفاق و بیاد

بنا شد و با جمیع متعلقات شرعیت بنا بر حوصله و بنا تا و قف تمیز بر وجه شرعیت و بر بیاد تمام

و نا قرار قفه باید و قفه قرار قفه و بیت تمان بتمان نباید و بکمیه تمان آن را بیم بر وجه صحیح

عدد و بیم و بر حد صرف شد تقسیم ارباع بر قرار قفه و بیت صرف تمیز صرف تمیز بعض نباید

بچنین و صحیح و نباید و بکمیه تمان بکمیه و نباید و بیت حبس بنباید از بعض تقسیم بیت و قفه از

قسمت حق و خارج باید و کلیه و نباید و بر وجه شد چنانچه مذکور شد بر قرار قفه و بیت و بیاد

و صحیح تمیز نباید و بر قرار قفه تعلق قرار و بر حصه تمیز و بر وجه بزرگ کند تمیز بنا و خارج آن و بیت

از خارج قرض نخیم تمیز تمیز بر حصه و ضع و بیت مستغرق نباید و بنا و مستغرق و بیت و بیاد

و بیت تمان بنا بنا نباید قرار بر قرار قفه و بیم و مدرسه تمیز بیت و در فصول آتیه بطور تمیز مقتضا جاری بر قرار قفه

و ضع بر ضرورت

تمامی دیگر شش دانگ کاروانسرا و حمام مرقوم و نانوائی واقعه در قطعه زمین متصله با بقالگه تمامی دانگ
واقف معظم بانضمام شرح وقف آن در اول آخر کتاب در صفحه دویم و سیم و چهارم مسطور شده و منافع هر یک
سهام بانضمام مرقومه مجموعه در سه دانگ همین یکدانگ شرعی حصر تقسیم شده و مصارف شرعیه حق الترتیه و حق النظاره
و تعمیرات لازمه شرح مرقوم در صفحات ثلثه اول کتاب مسطور است

تمامی شش دانگ بنای بالای دکان و یکباب قهوه خانه و یکباب مقصله متصله بقهوه خانه و مقصله جنب درب است با
یکباب گرمابه عام المرور دارای دهلیز خزینه بنایان و قمر و دو اتاق کرک دار مخلصه است واقعه شده که قهوه
خانه و مقصله مزبوره ملک است شرعی مجموعه بالجمیع محدثات و منضمات و متعلقات شرعیه الی حدود اربعه
من تعرف الله فعلی و یجری فیه و دون بتمامی شیئی از تمامی و تمامات واقف ثلث بر مصارف مجموعه مزبوره
حق الترتیه و حق النظاره و تعمیرات لازمه شرح در فصل سیزدهم فصل سیزدهم در وضع تقسیم
منافع مرقومه مسطور است حسب مقرر آنچه وصول از منافع قهوه خانه و مقصله و گرمابه مرقومه حاصل شود و از آن
اخراج شده باقی منافع بین ترتیل و ناظر تقسیم شود و جناب واقف معظم را در زمان آدمیت حقی در عایدی مرقومه
نباشد و در زمان خود واقف معظم نظارت معین نشده و ناظر خودشان باشند و در وضع شرعیه تعمیرات لازمه
مهم است و باید همین مرقومه همیشه دائر و برقرار باشد و از واقعه ضرب سکه در سه دانگ و تعمیرات حق
و نظارت مستغلات دارالضرب خبر ندارند و در هر سال اسباب تعمیر مرضع شرعیه را تهیه
کفایت نکنند از کل تعمیرات تعمیر و مسطور را از مصارف تعمیرات دانسته عایدی مرقومه همیشه

حسب الامر واقف باید یکصد و بیست سهام ساخته شود و حقوق هر یک از موقوف علیهم تعیین و مسطور شود یکصد و بیست سهم
قرار و تقسیم شود و آن مصارف و بران تعمیر باید تمام و صرف شود و دفتری باید تهیه شود و باشد مرقومه
بین فرح مرقومه با نسبه اولاد اشرف الترتیه و انظاره و از نسبه حاصل مرضع باید بر مصارف تعمیرات مزبوره
معین تمام خرج کنند و باقیات سالانه یکصد و بیست سهم شرح مسطور بین موقوف علیهم تقسیم و صرف نمایند و هر زمان متولی
و ناظر خود دانسته از اقارب خود واقف تعیین نمایند

علم یکصد و بیست سهم منافع مرقومه مسطور بترتیب شرح ذیل

دانگ مجموعه در سه دانگ حصه سهم دانگ مجموعه در سه دانگ حصه سهم

جنب سرای آن مجموعه است و حق هر جنب و سهم باید شود حق حمام در سه و چهار سهم سرای آن باید
شود که در سه و همان قطعه حق یک دانگ مجموعه باشد سهم مک پانزده دو سهم مخزن در سه و چهار سهم سرای دو سهم
هم مجموعه است باید و سهم و منافع آن طابق سهمیه حق مک چهار سهم دو سهم و چهار سهم سرای دو سهم
جنب مالک شود و حق در سه عمر مسطور شود قسمت حمامات و بازارچه مجموعه در سه

سی و هشت سهم سه سهم

حق الاداره حق النظاره حق کتابدار و مهر و نشر باشی و سیمان

هفت سهم هفت سهم چهار سهم

حق کاه و جو حق نظام در سه حق نظام مزرعه

دو سهم دو سهم دو سهم

وقف مزبور با اولاد و اولاد ایشان خواهد بود ذکور را هم اناثا بالسویه و ذکور را بر اناث اگرچه ذکور از اناث باشند
بالتقدم بطن اول بر بطن ثانی و نظارت با مجتهد جامع الشرایط دارالخلافه با مراعات علم
و ورع و با فقدان او مطلقا تولیت مفوض است بشخص اول وزیر اعظم دولت علیه عثمانیه
و در صورتیکه وزارت عظمی دایر نباشد و لقب صدارت در اشخاص دولت نباشد هر یک از وزرای اکرم
اقرب بسلطان و ممارس کلیه امور دولت باشد و متولی مرحوم مغفرتمآب پادشاه مبرور تولیت
مزبوره با ایشان و نظارت مفوض است بنجم مجتهد دارالخلافه دامت برکاته و حق النظاره است و قیمین ترتیبی را ناظر باید با نصف تقسیم شود و صیغه وقف جاریه بحسب شرایط
الصنعه جاری شد و قبض و اقباض بالتسلیم و التسلم در آن مرعی گردید و بعد از اجرای صیغه شرعیه مبایعه
و سمیت بالبیان بمبلغ یکصد و پنجاه و پنج هزار قرش رایج عثمانی که قیمت عین موقوفه است و غیر و زیاد آن
از بعض حساب متولی معظم و مکرم اقامه الله ایام صدارته باشد **توضیحا** مرقوم شود که حمام
حمام مروارید زرنگار و دکاکین و سرای و قطعه زمین متصله بانها و در قرب مدرسه واقعست مشترک و در آن
ذکر کتاب بسطاب مسطور شده سابقا وقف شده بود بر بطن تقریبا در این دو سه جا
حمام مزبور زمان کمی
متولی صحیح بدانند چون کمی در مدرسه یحیویه نبوده باشد و متولی آن و در اینجا بعض تقریبا در این شروط بهم
از حصه بهم از بعض مصارف طعام فرمیش متولی و هفت سهم از بعض اجرت و اعظاء سایر کارکنان
و اجرت روضه خوانها مقرر شده و مجموع پنج سهم و ربع که میشود بیست باید صرف تقریبا در این قرار

از برای خزین کتب عتیقه و تعمیرات کتب مدرسه و موقوفه باشد و خلیفه کتابدار انتخاب
داشته قید کتب موقوفه نماید و دفتری داشته قید کتب موقوفه را با آنچه در هر سال از قید و ثبت
و ضبط نماید در آن دفتر و کتب موقوفه از میان نرود و حفظ و حمایت نماید

سهم

حق الحفظ و مبارک رمضان و اجرت	اجرت رخت شوی طلبه و صرف و
رائحه و مجمره	دفعه ای مرمای طلبه
هفت سهم	سهم
از برای عطای متولی ناظر طلبه کارکن	از بعض طعام مجلس روضه خوانی در شب دوازدهم
با ترتیبی که از امتحان ملا و بجهت ترتیب	محرم و صفر هر دو متولی ناظر صحیح دانسته
متولی ناظر از کم و کیف و مقدار	و معین فرانسه و چای و قهوه و صابون
و چراغ و اجرت شمع و شمال و نمک و نفت متولی ناظر	
پنج سهم	هیجده سهم

فصل چهاردهم در معین متولی و ناظر است تولیت مرقومه مزبوره در زمان
حیوات واقف معظم اطال الله بقاه و با خود شان و در زمان تولیت خودشان ناظری معین
نشده و حق النظاره تقریبا در این صورتیکه از بعد از ایشان در صدر کتیبه ذکر شده است

ص ف ۲۷ ع

جناب مستطاب اجل عالی حسب التوقیع الشرفی مقرر فرمودند که عایدی کاروانسرا و حمامها و قطعه زمینی که وقف فرموده‌اند
سابقا بر تعزیه داری در جزو این بیست و پنج سهم صرف شود با وجود آنکه فعلا عایدی آنها متعارف ندارد با نصف بیست و پنج سهم
بقیه را با بیست و پنج سهم آنچه باقی الله از مستغلات موقوفه اضافه نمایند که بیست و پنج سهم کامل شود و محل تعزیه داری
در مدرسه مزبور باشد چون تعیین محل تعزیه داری با متولی بود محل تعزیه داری در این محل مزبور معینه مقرر فرمودند که بطور
اکمل و ادنی تعزیه داری در مدرسه مبارکه همه ساله مقرر باشد و کان وقوع ذلک فی هفتم شهر شوال المکرم سنه ۱۳۱۸

غ ش و ع ۱۳۱۸ مطابق با سال سیچقان ئیل ترکی تمت بالخیر

۱۳۳۴